

# کیمیا

## پروردهٔ حرم مولانا

(روایت‌هایی از زندگی مشترک شمس تبریزی و کیمیا خاتون)

نگارنده

دکتر غلامرضا خاکی

همراه با یادداشت‌هایی از

دکتر سبحانی، استاد زمانی و دکتر کزازی

بخرامت سر سبز زکوه تو کیمیا حقیقت  
همه ستر ماثور ز خویبه کاسم مادر کیه

می گویند که جیا کوه این طلوع کرده است در تصویر  
تو چنگونه نمانست است؟ آن لوح که جنجان قدر بر من نهاد  
او ظاهر در آن چندان مفهومی نمی شود جیا تا سنگرم اکنون  
آنچه معقول است از محرم قبول باید کردن \*\*\*

کار با کتان زار قیاس از خود مگیر \*\*\* کز چه مقلد فریادش شیر و شید  
\*\* می گویند دای آفتاب نور مده که خاطر خفاش نور چرخ کار او این است البته نور  
دهد جهت رنج او (نور دادن) ترک نخواست کرد. مقالات شمس، ص ۱۶۲ که همین  
سخن را مولانا اینگونه بیرونده است:  
چون خفاش که تاب خورشید را \*\*\* سسرافتد سگسند او سید را  
\*\*\* مقالات شمس، ص ۱۸۲.

## فهرست

۱۷	درآمد از دکتر توفیق سبحانی	۲۹
۲۱	پیشنگاشت نگارنده	۳۹
۲۲	شمس در سپهر عرفان	۵۹
۲۲	دلیل نگارش این کتاب	۶۹
۲۳	زندگانی شمس در کانون کنجکاوی‌های شبه‌عرفانی	۷۹
۲۶	مجال خیال	۸۹
۲۸	از رمان‌نویسی تا تاریخ‌نگاری	۹۹
۲۹	شمس خیالی یا واقعی؟	۶۹
۳۴	وُکلای امروزی کیمیا	۱۷
۳۷	طیف ارزیابان زندگانی عارفان	۲۷
۳۷	خاستگاه بدآموزی در کلام بزرگان	۲۷
۳۹	دلایل بدفهمی‌ها از شخصیت شمس	۲۷
۴۳	پیشنهادی برای تدوین کتاب مقالاتی نو	۵۷
۴۴	پرتوهای شمس در آسمان وجود من	۷۷
۴۶	پیشگام شمس‌شناسی در ایران	۷۷
۴۷	ویژگی‌های تصحیح خوشنویس	۶۷
۴۹	اثرات تصحیح خوشنویس	۲۸
۴۹	پیشینه این نوشتار	۲۸

۸۵	تسامح (فراخ‌اندیشی) شمس
۸۸	نقد جمال پرستان
۸۹	پرسه‌زنی در غربستان
۹۱	فصل (۲): ای آمده تا مرا بخوانی
۹۳	مقدمه
۹۶	اولین دیدار
۹۹	مولانا در آزمون تحمل
۱۰۱	شمس، شیخ یا مرید؟
۱۰۲	دور اول مخالفت‌ها
۱۰۴	دخالت شمس در زندگی علاء‌الدین
۱۰۷	کوچ آفتاب پرنده
۱۰۹	فصل (۳): همین که نگار می‌رسد
۱۱۱	مقدمه
۱۱۱	شکار صنم گریزیا
۱۱۵	باز به هم آمدیم
۱۱۷	فصل (۴): دست در گردن دیگری
۱۱۹	مقدمه
۱۲۰	پایان آوارگی پرنده
۱۲۲	دیدگاه پیر تبریز درباره زنان
۱۲۴	قفسی برای پرنده
۱۲۵	موضع کیمیا در خواستگاری
۱۲۷	علاء‌الدین خواستگار قبلی کیمیا؟
۱۲۷	خانه آفتاب
۱۲۸	رهبر دشمنان شمس
۱۳۴	کیمیا: عشوه‌گر چموش
۱۳۸	کیمیا: زیبای بد اخلاق
۱۴۱	کیمیا: بیمار نافرمان

۵۰	اهداف کتاب حاضر
۵۱	رخدادهای پس از چاپ اول و دوم کتاب حاضر
۵۳	یادآوری‌ها
۵۴	سخن آخر
۵۵	فصل (۱): شمس تبریزی! که‌ای تو؟
۵۷	مقدمه
۵۷	شمس در پس ابر
۵۸	در رؤیای دریا
۶۱	آغاز توفان روحی
۶۳	مدد غیبی
۶۴	پای در ره
۶۵	سلوک ظاهری شمس
۶۶	استادان و مشایخ شمس
۶۷	تحصیل علوم رسمی شمس
۶۸	پیشه و کار و بار شمس
۶۹	دیدگاه و سبک معلمی شمس
۶۹	دیدگاه شمس درباره قرآن
۷۰	خلق و خوی شمس
۷۲	صفا و یکرنگی شمس
۷۳	دیدگاه شمس درباره پیامبر
۷۴	شریعت‌مداری شمس
۷۵	کرامات در نگاه شمس
۷۷	جویای زندگی بودن
۷۷	اصول مریدپذیری در طریقت شمس
۷۹	خودستایی‌های شمس
۸۲	جایگاه سخن نزد شمس
۸۴	شمس و نگاشتن

۱۹۴	عروسی مولانا با شاهد ازلی.....
۱۹۵	پیوست‌ها.....
۱۹۷	پیوست (الف): شمس، در کشاکش با کدامین کیمیا؟!.....
۱۹۷	مقدمه.....
۲۰۰	معمای شمس تبریزی.....
۲۰۱	رمان‌هایی درباره کیمیا.....
۲۰۳	تصویر ناقدهی شمس در کتاب خانم قدس.....
۲۰۱	رمان اول: کیمیا خاتون.....
۲۰۲	رمان دوم: دختر رومی.....
۲۰۸	کیمیا: قهرمانی هالیوودی؟!.....
۲۰۹	مقایسه رمان‌های دختر رومی و کیمیا خاتون.....
۲۱۷	آن خانه پر نور.....
۲۲۱	تنبیه و تهدید مولانا به خاطر کنیزان.....
۲۲۲	دفاع پیر بلخ از عروس.....
۲۲۴	ساختار شکنی مولانا.....
۲۲۶	تأمل.....
۲۲۷	پیوست (ب): علاءالدین، افتخار جلال‌الدین؟.....
۲۲۸	نامه‌های مولانا به علاءالدین.....
۲۳۲	مرگ علاءالدین.....
۲۳۳	آرامگاه علاءالدین چلبی.....
۲۳۳	بهاء‌الدین در سوگ علاءالدین.....
۲۳۴	حضور مولانا بر مزار علاءالدین چلبی.....
۲۳۵	ناسازی تاریخی داستان بخشودگی.....
۲۳۶	میراث علاءالدین.....
۲۳۸	تداوم دشمنی در خاندان مولانا.....
۲۴۱	پیوست (ج): رمان یا رساله سیر و سلوک؟.....
۲۴۱	اشاره.....

۱۴۱	خدا در صورت کیمیا.....
۱۴۲	نقد روایت.....
۱۴۴	مرگ کیمیا در دو روایت.....
۱۴۵	روایت یکم: مرگ کیمیا در خانه شمس.....
۱۴۵	اشاره.....
۱۴۶	نقد و ارزیابی روایت.....
۱۴۹	شمس: سیف‌الله؟ (شمشیر خدا؟).....
۱۵۰	کرامت‌های مخدوش‌ساز.....
۱۵۳	کرامتی از نوعی دیگر.....
۱۵۶	برداشت‌های نادرست.....
۱۵۹	روایت دوم: مرگ کیمیا بعد از جدایی.....
۱۵۹	اشاره.....
۱۶۰	حامیان کیمیا.....
۱۶۰	در پیشگاه قاضی.....
۱۶۱	تأمین مهریه.....
۱۶۳	پس از جدایی.....
۱۶۳	راز تحمل.....
۱۶۵	سرانجام کیمیا، مطلقه یا کشته؟.....
۱۶۷	فصل (۵): بی‌ما کجا شد؟.....
۱۶۹	مقدمه.....
۱۷۰	واماندگی مولانا در چنبره عنادها.....
۱۷۵	نقد شمس از عملکرد مولانا.....
۱۷۸	رنجش درویش شمس.....
۱۸۳	کجا شد؟ ای عجب!.....
۱۸۵	چگونگی غیبت شمس.....
۱۸۷	پریدن در افق غیب.....
۱۸۹	افسانه شو.....

۲۴۳	.....	رمان تخیلی یا مستند تاریخی؟
۲۴۴	.....	خلاصه داستان
۲۴۵	.....	رویکرد نقد
۲۴۶	.....	نکته‌های قابل تأمل در رمان
۲۴۷	.....	سخن آخر
۲۴۹	.....	پیوست (د): نقد و نقد بازی، نشان نادریشی؟!
۲۴۹	.....	مقدمه
۲۵۰	.....	نسیه یا نقد؟
۲۵۰	.....	تشکر از ناقد
۲۵۱	.....	شمس هتاک یا عارفی بی‌باک؟
۲۵۳	.....	فرازهایی از نقد
۲۵۷	.....	پاسخ ناقد به روایت خویش
۲۵۸	.....	پاسخ‌های کلی به ناقد
۲۶۳	.....	یک خاطره
۲۶۵	.....	یادداشت‌ها و منابع
۳۱۵	.....	نمایه

ای خیال اندیش، دوری، سخت دور  
 سر او از طبع کار افزا می‌پرس  
 چند پُرسی شمس تبریزی که بود  
 چشم جیحون بین و از دریا می‌پرس

مولانا

درآمد

«هیچ کس نیست از بشر  
که در او قدری انانیت نیست»  
شمس

دست مریزاد!

کتاب «کیمیا، پرورده حرم مولانا» شخصیت کیمیا خاتون را به مقبول‌ترین وجه نشان می‌دهد، اما افسوس که منطق و استدلال در این روزگار قادر نیست مردمی را که افسانه را بیش از تاریخ اعتبار می‌دهند راضی کند.

مطالبی که شما از متن‌های گوناگون کشف کرده‌اید و تناقضات لابلای چندین کتاب را بر ملا ساخته‌اید، واقعاً شایان تقدیر است.

شمس، و چه بسا خود مولانا در حیات دنیوی خود، توفیق دنیوی نیافته‌اند. شمس را چنان‌که خود گفته است، حتی لایق کارگل ندانسته‌اند و به عملگی نبرده‌اند. این انسان مظلوم که در قرن هفتم همانند یک انسان دانا و آگاه قرن ما می‌اندیشیده است؛ در زمان خود ناشناخته بوده و همچنان ناشناخته مانده است.

\*\*\*

وقتی کتابی بی‌سر و ته چون کیمیا خاتون به ده‌ها چاپ می‌رسد و

«ما آنیم که زندان را بر خود بوستان  
گردانیم. چون زندان ما بوستان گردد،  
بنگر که بوستان ما خود چه باشد؟!»

شمس

نویسنده اش با ارجاع به کتابی مجهول در کتابخانه گنج بخش پاکستان می گوید: «پیکر جوان و فراموش شده کیمیا خاتون را از لابلای اوراق پوسیده بیرون کشیده است.» در حالی که پیکری دروغین برای او ساخته و در ازای آن دروغ، پیکر راستین شمس را خاکمالی کرده است. من بر آنم شما بهتر بود برای خنثی کردن و سم زدایی کتاب هایی که به زبان عوام الناس و باب طبع آنان نوشته شده است، شیوه تند و گزنده شمس را به کار می بردید. مردم ما را چه شده است که برای شناختن شمس، سخنان خودش و نوشته های تحقیقی معتبر را فرو می گذارند و می روند سراغ این کتاب و به چاپ فلاطم می رسانندش؟! اهل تحقیق می دانند که در شبه قاره که شامل هند، پاکستان و بنگلادش امروزی هست جز سوانح زندگی مولوی از شبلی نعمانی، مرآة المثنوی و صاحب المثنوی از تلمذ حسین و ترجمه خلاصه مناقب العارفین کتابی دیگر درباره زندگانی مولوی هیچ متن کهنی نیست.

\*\*\*

من عذر می خواهم که در متن شما، ابتدا با مداد و بعد از غرق شدن در متن کتاب، بی اختیار با قلم قرمز چیزهایی نوشته و خط زده ام. این خصیصه سالیان دراز معلمی است که ترک عادت موجب مرض است! من شخصاً از این نوشته شما بسیار بهره مند شدم و خواندن این کتاب را برای کسانی که می خواهند از زندگانی شمس و سرنوشت ازدواجش با کیمیا اطلاع دقیق و مستند حاصل کنند، سودمند و لازم است. من به سهم خودم این تلاش و زحمت شما را سپاس و تبریک می گویم و مجدداً می گویم: دست مریزاد!

دکتر توفیق سبحانی

«آنچه از دعوی این کنیزک که کردند  
اگرچه دروغ است، بدانید که پیش  
نخواهد رفتن، اما در وهم این جماعت  
چیزی نشست.»

فیه مافیه